

## سؤال/جواب ۱۶ : ابلیس از ملائکه است یا از جنیان؟

سؤال/ ۱۶ : هل إبليس من الملائكة أم من الجن؟  
پرسش ۱۶: ابلیس از فرشتگان است یا از جنیان؟

الجواب: إبليس (لعنه الله) من الجن [206]، ولكن نتيجة عبادته ارتقى حتى أصبح من الملائكة فالجن يرتقون بالعبادة وطاعة الله حتى يصبحون ملائكة. ولكن في النهاية تمرد إبليس (لعنه الله) على أمر الله نتيجة (الأنسا) فهوى في قعر الجحيم ، ولذلك فالقرآن مرة يعبر عن إبليس أنه من الملائكة [207]، ومرة أنه من الجن [208]. وأمير المؤمنين (ع) يعبر عنه بأنه ملك في خطبته القاصعة [209].

پاسخ: ابلیس (لع) از جنیان است [210] ولی به خاطر عبادتش ارتقا یافت تا این که در زمره‌ی فرشتگان درآمد. جنیان با عبادت و اطاعت خدا ارتقا پیدا می‌کنند تا این که جزو فرشتگان می‌شوند. ولی در نهایت، ابلیس (لع) به خاطر انانیت (منیت) از امر خدا سرپیچی کرد و به قعر جهنم سقوط نمود. از همین رو قرآن یک‌بار ابلیس را از فرشتگان می‌خواند [211] و بار دیگر از جن. [212] امیرالمؤمنین (ع) در خطبه‌ی قاصعه از او به مَلَك تعبیر نموده است. [213]

والاثنان [214] صحيح في مرحلة ما قبل الأمر بالسجود لآدم ، باعتبار النظر إلى ما وصل إليه إبليس ، وباعتبار أصل إبليس (لعنه الله) .

در مرحله‌ی پیش از صادر شدن فرمان به سجده بر آدم، با توجه به آنچه ابلیس به آن رسید و با توجه به اصل ابلیس (لع)، هر دوی این‌ها صحیح است.

[215]



1- عن جميل بن دراج ، عن أبي عبد الله (ع) قال: سألته عن إبليس أكان من الملائكة؟ وهل كان يلي من أمر السماء شيئاً؟ قال: ( لم يكن من الملائكة، ولم يكن يلي من السماء شيئاً، كان من الجن وكان مع الملائكة، وكانت الملائكة تراه أنه منها، وكان الله يعلم أنه ليس منها، فلما أمر بالسجود كان منه الذي كان) بحار الأنوار: ج 11 ص 119.

[207]- قال تعالى: (وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ ...) البقرة: 34.

[208]- قال تعالى: (... إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ ...) الكهف: 50.

[209]- قال (ع): (... فاعتبروا بما كان من فعل الله بإبليس إذ أحبط عمله الطويل وجهده الجهد، وكان قد عبد الله ستة آلاف سنة لا يدرى أمن سني الدنيا أم من سني الآخرة عن كبر ساعة واحدة، فمن بعد إبليس يسلم على الله بمثل معصيته؟ كلا، ما كان الله سبحانه ليدخل الجنة بشراً بأمرٍ أُخرج به ملكاً...) نهج البلاغة: الخطبة (192) المعروفة بالقاصعة.

[210]- از جميل بن دراج از ابو عبدالله(ع) روایت شده است: از ایشان (ع) درباره‌ی ابلیس پرسیدم که آیا از ملائکه بود؟ و آیا چیزی از امر آسمان‌ها می‌دانست؟ فرمود: «از ملائکه نبود و چیزی از آسمان‌ها نمی‌دانست. او از جنیان و همراه با ملائکه بود و ملائکه او را گویی از خود می‌دیدند درحالی که خداوند آگاه است که از آن‌ها نبود. پس هنگامی که به سجده کردن امر شد، از او سر زد آن چه سر زد». بحار الانوار: ج 11 ص 119.

[211]- خداوند متعال می‌فرماید: (و چون به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید، همه سجده کردند جز ابلیس....) (بقره: 34).

[212]- خداوند متعال می‌فرماید: (... جز ابلیس که از جن بود و از فرمان پروردگارش سربرتافت....) (کهف: 50).

[213]- امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «... پس عبرت گیرید از آن چه خداوند با ابلیس کرد: کار طولانی، تلاش سخت و بندگی شش هزار ساله‌اش را که روشن نیست بر حسب سال‌های این جهان برآورد شده است یا سال‌های جهان دیگر در برابر ساعتی تکبیر ورزیدن، پوچ ساخت. پس از ماجرای ابلیس، با گناهی همسنگ او، کیست که از عذاب الهی رهایی تواند؟ هیچ کس! خداوند سبحان هرگز انسانی را با گناهی که ملکی (فرشته‌ای) را با آن گناه بیرون راند، به بهشت اندرون نبرد...». نهج البلاغه: خطبه‌ی 192 معروف به قاصعه.

[214]- أي: التعبير عن إبليس (لعنه الله) في القرآن بأنه من الجن وأنه من الملائكة.

[215]- یعنی این که تعبیر قرآن به اینکه ابلیس لعنت الله از جن بود و از ملائکه نیز بود.